

فیلم و زبان دوم؛ بررسی و تحلیل مؤلفه‌های فیلم سینمایی در آموزش زبان دوم*

(مورد مطالعاتی: آموزش زبان فارسی در کره جنوبی و چین)

احمد رضایی^۱

استاد گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه قم، قم، ایران

عاطفه صالح^۲

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه قم، قم، ایران

چکیده

از زمان اختراع سینما در دهه ۱۸۹۰، همواره فیلم به عنوان یکی از منابع آموزش، به‌ویژه آموزش زبان مورد توجه بوده است. پیشرفت‌های فناورانه قرون بیستم و بیست و یکم، عرصه‌های مختلف زندگی از جمله آموزش و به‌خصوص آموزش زبان دوم را تحت تأثیر قرار داده است. چنین تأثیری جنبه‌های گوناگون آموزش زبان همچون شنیدن، خواندن، نوشتن، دستور زبان، تلفظ و... را در برمی‌گیرد؛ همچنین فناوری روزگار ما، ابزار آموزش زبان را تنوع بخشیده است، به گونه‌ای که هر روز با ابزار جدیدی در عرصه آموزش زبان روبه‌رو هستیم، ولی با وجود چنین تنوعی هنوز فیلم‌های سینمایی جایگاه خاصی در آموزش زبان دوم دارند. پژوهش حاضر براساس بررسی استقرائی — تجربی تدریس زبان دوم (زبان فارسی) در کشورهای کره جنوبی و چین در پی آن است که به این پرسش پاسخ دهد که چرا با وجود تنوع روش‌ها و ابزارهای آموزشی، فیلم‌های سینمایی توانسته‌اند جایگاه خود را در فرایند آموزش زبان دوم تثبیت کنند و به عنوان یکی از منابع آموزش زبان دوم مورد توجه باشند. نتیجه پژوهش نشان می‌دهد مؤلفه‌هایی سبب شده است با وجود تنوع دیگر ابزارهای آموزشی، فیلم‌های سینمایی هنوز هم به عنوان یکی از منابع اصلی آموزش زبان دوم، جایگاه خود را تثبیت کند؛ از جمله این مؤلفه‌ها عبارت است از: ۱. همسانی و شباهت فیلم سینمایی با زندگی واقعی (واقع‌نمایی)؛ ۲. همزمانی جنبه‌های شنیداری و دیداری؛ ۳. توجه به جنبه‌های فرهنگی؛ ۴. آموزش با کمک حرکات بدن و ژست؛ ۵. توان حدس ساختارهای زبان براساس موقعیت؛ ۶. توجه به موقعیت‌های کاربردی زبان؛ ۷. کاربرد همزمان زبان معیار و زبان روزمره و ۸. افزودن جنبه‌های هنری.

واژه‌های کلیدی: فیلم، آموزش، زبان دوم، بررسی و تحلیل.

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۷/۱۲ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۱۲

(نویسنده مسئول)

¹ Email: a52_2006@yahoo.com

² Email: aatefehsleh@gmail.com



Persian language international teaching studies
Year 8, Number 14, Autumn and Winter 2023-2024; pp (207-224)

مرکز آموزش بین‌المللی زبان فارسی
مطالعات آموزش بین‌المللی زبان فارسی
سال ۸، شماره ۱۴، پاییز و زمستان ۱۴۰۲؛ صفحات (۲۰۷-۲۲۴)
نشریه علمی / مقاله پژوهشی

Movie and Second Language; Exploring the Function of Movies in Learning L2*

(Study case: Persian language teaching in South Korea and China)

Ahmad Rezaei¹

Professor, Department of Persian Language and Literature, University of Qom, Qom, Iran

Atefeh Saleh²

PhD student in Persian Language and Literature, University of Qom, Qom, Iran

Abstract

Since the invention of cinema in the 1890s, film has always been considered one of the sources of teaching and learning, especially for language learning. The technological advancements of the 20th and 21st centuries have impacted various aspects of life, particularly second language learning. Such influence covers various aspects of language acquisition, including listening, reading, writing, grammar, and pronunciation. Despite the increasing diversity of language teaching tools thanks to technology, movies hold a special position in second language instruction. The current research is an inductive-experimental study of second language teaching (specifically Persian language) in South Korea and China. It aims to answer why movies have become a prominent part of the education process for stabilizing the second language, despite the availability of various educational methods and tools. The research results indicate that certain components are crucial: A) Similarity to real life, B) Synchronisation of audio and visual aspects, C) Attention to cultural aspects, D) Education through gestures, E) Having the ability to infer language structures based on the situation, F) Being attentive to the practical application of the language, G) Simultaneously using standard and everyday language, H) Incorporating artistic elements that have maintained movies as one of the primary resources for second language education and despite the availability of various teaching means, it works to solidify its position.

Keywords: Movie, Education, Second Language, Analys.

* Received: 3/10/2024 | Accepted: 1/1/2025

¹ Email: a52_2006@yahoo.com. (Corresponding Author)

² Email: aatefehsaleh@gmail.com.

۱. مقدمه

فیلم که در اصطلاح رایج با عنوان «فیلم سینمایی» تعبیر می‌شود، از شگفتی‌های زندگی انسان در بیش از یک صد سال گذشته می‌باشد که جنبه‌های مختلف زندگی وی را متأثر کرده است. می‌توان گفت سینما بر دو پایه اصلی استوار شده است: صنعت و هنر. صنعت سینما را دانشمندان علم فیزیک، نجوم، مهندسان و صنعتگران اختراع کردند و سرانجام به دست لویی لومیر و توماس الوادیسون در سال‌های دهه ۱۸۹۰ این اختراع به نتیجه رسید، اما هنر سینما را هنرمندان پدید آوردند (فرشته حکمت، ۱۳۸۹: ۳۸). این فناوری هنرمندانه در کرانه‌های گوناگون زندگی انسان جای خود را باز کرده، به گونه‌ای که گویا جزء جداناپذیری از آن شده است.

از جنبه‌های مهم فیلم‌های سینمایی، عرصه آموزش به معنای عام است؛ روشن است که فیلم به صورت کلی و فیلم سینمایی به معنای خاص، نقش چشمگیری در عرصه آموزش، هر چند به صورت غیرمستقیم داشته‌اند. یکی از قلمروهای آموزشی مرتبط با فیلم‌های سینمایی «آموزش زبان» است؛ به عبارت دیگر یکی از دستاوردهای مهم ورود فناوری‌های صوتی و تصویری به عرصه آموزش زبان، امکان ارائه مواد آموزشی جذاب، معتبر و واقعی به زبان آموزان است (صفا مقدم و رستم بیگ تفرشی، ۱۳۹۳: ۸۰)، اما دیدگاه محققان درباره کارایی یا ارتباط فیلم سینمایی با آموزش زبان، بیشتر بر چند مؤلفه متمرکز می‌شود. در پژوهش‌های انجام شده در این باره، محققان اغلب بر چگونگی یادگیری واژگان زبان مقصد، مهارت‌های شنیداری و گفتاری تأکید کرده‌اند؛ چنان‌که ابراهیمی و زارعیان (۲۰۱۸) محاسن و معایب تماشای فیلم در مورد ظرفیت یادگیری زبان انگلیسی را مورد مطالعه قرار دادند و موانعی را شناسایی کردند که ممکن است زبان آموزان زبان انگلیسی با آن مواجه شوند. در این بررسی شرکت‌کنندگان گزارش دادند که فیلم‌های انگلیسی به طور مؤثر مهارت‌های شنیداری و گفتاری آنان را بهبود می‌بخشد؛ با این حال آنان معایبی را گزارش کردند که زبان آموز هنگام تماشای فیلم سینمایی ممکن است با آن روبه‌رو شود؛ مواردی مانند از دست دادن اهداف آموزشی در فیلم، نقش زیرنویس‌ها در عدم تمرکز و اینکه چگونه زبان مورد

استفاده در فیلم‌ها عمدتاً زبان عادی و روزمره است (Alolaywi, 2023: 2334). همچنین مطالعه دیگری بر آن است که فیلم‌های سینمایی برای دو قلمرو دستور زبان و یادگیری واژگان بسیار مؤثر است؛ بر این اساس استفاده از فیلم می‌تواند دانش گرامری دانش‌آموزان را افزایش دهد، به‌ویژه در متن روایی با زمان گذشته. استفاده از فیلم در آموزش خواندن نیز بسیار کارا است؛ زیرا فیلم‌های زیادی از آثار ادبی ساخته یا اقتباس شده‌اند (Ismail, 2016: 131). در سایر پژوهش‌ها نیز محققان بر همین موارد، یعنی فراگیری واژگان، دستور زبان و نظایر آن تأکید می‌کنند. هر چند برخی اشاره کرده‌اند فیلم‌های سینمایی روابط اجتماعی زبان‌آموزان و آگاهی آنها از فرهنگ را بهبود می‌بخشد؛ با این حال تأثیراتی از این دست را پس از مهارت خواندن و نوشتن فراگیران دانسته‌اند (Alolaywi, 2023: 2233).

با همه تأکیدی که در درباره تأثیر فیلم در آموزش لغات و دستور زبان رفته است، به نظر می‌رسد فیلم‌های سینمایی افزون بر آموزش واژگان و دستور زبان، واجد ویژگی‌های دیگری هستند و بدین سبب ویژگی‌ها همواره مورد توجه بوده‌اند، زیرا فراگیری واژگان و دستور زبان با دیگر ابزار نیز امکان‌پذیر است؛ به عبارت دیگر فیلم سینمایی دارای مؤلفه‌هایی خاص در فرایند آموزش زبان دوم می‌باشد که این مؤلفه‌ها کمتر مورد توجه بوده است. براساس آموزش عملی زبان فارسی در سال‌های متمادی در دانشگاه‌های کره جنوبی و چین می‌توان چنین مختصاتی را در هشت گروه طبقه‌بندی کرد. به نظر می‌رسد این مؤلفه‌ها ضمن تأکید بر اهمیت فیلم سینمایی در آموزش زبان دوم، سبب تفاوت آن با دیگر شکل‌های هنری همچون کارتون، انیمیشن و... شده و خاص شدن و پایدار ماندن فیلم سینمایی در آموزش زبان را موجب شده است. این پژوهش ضمن اشاره به پیشینه موضوع به تحلیل، بررسی و نقد مؤلفه‌های فیلم سینمایی در آموزش زبان می‌پردازد.

۲. پیشینه پژوهش

در مورد پیوند فیلم سینمایی و آموزش زبان پژوهش‌های فراوانی انجام شده است؛ از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

اسماعیل نیاک موتیا (۲۰۱۶) در مقاله «فیلم و فراگیری زبان» به تشریح مهارت‌هایی می‌پردازد که با دیدن فیلم در فراگیری زبان دوم مؤثرترند. آلولا یاسمیان (۲۰۲۳) در مقاله «یادگیری انگلیسی با فیلم» به تبیین نقش فیلم سینمایی در مهارت‌های واژگانی و شنیداری توجه کرده است. مارتین ماراکوین (۲۰۲۳) نیز در مقاله «کاربرد سینما به عنوان ابزار آموزش زبان» همین موضوع را پی می‌گیرد؛ همچنین سانچز-آنون و همکاران (۲۰۲۳) در مقاله «استفاده از فیلم در آموزش زبان انگلیسی به عنوان زبان دوم» به بررسی و مرور این موضوع پرداخته و بر همان مختصات فراگیری واژگان، مهارت‌های شنیداری و همانند آن تأکید کرده‌اند. غلامی و عبدللهی (۱۳۸۹) در مقاله «استفاده از فناوری نوین در آموزش زبان‌های خارجی با تأکید بر نقش سینما» اعتقاد دارند آموزش یک زبان بدون آگاهی از فرهنگ آن کشور ناممکن است؛ بنابراین سینما با توجه به اینکه آینه فرهنگ و رسوم یک کشور می‌باشد، گزینه مناسبی برای آموزش زبان است و معتقدند که فیلم انتخابی باید از سینمای ملی کشور مقصد باشد؛ زیرا سینمای ملی واقعیات فرهنگی یک جامعه را نشان می‌دهد. صفار مقدم و رستم بیگ تفرشی (۱۳۹۳) در مقاله «کاربرد فیلم سینمایی در آموزش زبان و فرهنگ ایرانی به غیرفارسی‌زبانان» بر مبنای فیلم «رنگ خدا» ساخته مجیدی، معتقدند هدف از آموزش زبان فقط دستیابی به توانایی برقراری ارتباط نیست، بلکه درک فرهنگ بیگانه و پیوند آن با دانش زبانی هدف اصلی آموزش زبان است؛ همچنین عامری و قدرتی (۱۳۹۸) در مقاله «نقش تماشای محصولات سینمایی خارجی در یادگیری زبان خارجی، خارج از کلاس» به مقوله زیرنویس بین‌زبانی در تقویت مهارت‌های زبانی و یادگیری تصادفی پرداخته‌اند؛ همچنین آنها تماشای فیلم را از سه جنبه آشنایی با تلفظ واژگان، تقویت مهارت‌های شنیداری و افزایش دامنه واژگان مثبت می‌دانند.

چنان‌که ملاحظه می‌شود در پژوهش‌هایی از این دست، با وجود کوشش پژوهشگران، چند موضوع یا مسئله مشابه دیده می‌شود. اغلب آنان اهمیت فیلم سینمایی را در مهارت‌های شنیداری، یادگیری واژگان یا نقش زیرنویس‌ها خلاصه کرده‌اند؛ درحالی‌که به نظر می‌رسد فیلم‌های سینمایی، افزون بر این ویژگی‌ها، مؤلفه‌های دیگری را در آموزش زبان دوم دارند که کمتر مورد توجه بوده است؛ این ویژگی‌ها را می‌توان بدین صورت طبقه‌بندی کرد:

۳. مؤلفه‌های فیلم‌های سینمایی و یادگیری زبان دوم

۳-۱. همسانی فیلم با زندگی واقعی

به نظر می‌رسد هر چیزی که به زندگی واقعی انسان نزدیک‌تر باشد، برای او پذیرفتنی‌تر و باورپذیرتر است؛ «فیلم» از جمله ابزار است که امکان دیدن بخشی از زندگی واقعی را فراهم می‌کند. فیلم سینمایی پیش از قرن بیستم در دو ژانر رئالیسم و امپرسیونیسم شکل گرفت. برادران لومیر اتفاقات روزمره را در فیلم‌هایشان منعکس کردند. این فیلم‌ها به دلیل آنکه وقایع زندگی را به شکلی واقعی نشان می‌داد، تماشاگران را هیجان‌زده می‌کرد (قاسم‌خان، ۱۳۷۳: ۲۴۸). نزدیکی و همسانی فیلم سینمایی با زندگی واقعی انسان‌ها تا بدان اندازه بود که تماشاگران فیلم «ورود قطار به ایستگاه لاسیتوتا» با مشاهده نزدیک شدن قطار با وحشت از ترس خطر رفتن به زیر قطار از جایشان برخاستند (اوحدی، ۱۳۸۸: ۲۱۶). این واکنش تماشاگران بیانگر همسانی و ارتباط نزدیک فیلم با زندگی واقعی است. پذیرش این همسانی در قلمرو آموزش، به‌ویژه آموزش زبان دوم، بسیار دارای اهمیت است. کسی که قصد یادگیری زبانی دیگر را دارد می‌تواند با کمک فیلم، خود را در فضای زندگی و توجه به ارتباط‌ها و گفتگوهای شخصیت‌هایی قرار دهد که فیلم آن را به شکلی هنرمندانه از یک زندگی واقعی نمایش می‌دهد؛ چنین چیزی بستری فراهم می‌کند که مخاطب زبان مورد نظر در زمینه‌ای شبیه به زندگی واقعی بیاموزد.

برای نمونه در فیلم فرانسوی «کلاس» یا «در میان دیوارها» (کانتته، ۲۰۰۸)، تمام زمان فیلم در یک مدرسه می‌گذرد (حیاط مدرسه، دفتر معلم‌ها و کلاس)، ولی بازی‌ها و جنب‌وجوش دانش‌آموزان در حیاط مدرسه، صحبت‌های معلم‌ها در دفتر مدرسه درباره دانش‌آموزان و شکایت و گله‌مندی از آنها و گفتگوی معلم با دانش‌آموزان در کلاس، فضای فیلم را بسیار شبیه به یک مدرسه واقعی می‌کند و بیننده فیلم را با یک موقعیتی مانند زندگی در دنیای واقعی روبه‌رو می‌سازد. فراگیران با دیدن چنین فیلمی احساس می‌کنند در مدرسه خود هستند و چنین رویدادهایی را بسیار عادی می‌دانند؛ وقایعی که گویا در مدرسه خودشان روی داده است.

۲-۳. همزمانی جنبه‌های دیداری و شنیداری

دیدن تصویر یک اسب از دیدن یا خواندن واژه اسب به واقعیت آن نزدیک‌تر است؛ هنگامی که توصیف اسبی را در رمانی می‌خوانیم، ذهن ما با تخیل تصویری از اسب می‌سازد؛ اما در فیلم، تصویر و صدای اسب به صورت همزمان وجود دارد و حتی اگر چشم خود را ببندیم؛ همچنان با شنیدن صدای پا یا شیهه اسب می‌توانیم حضور او را حس کنیم؛ درحالی‌که خواندن درباره اسب بدین گونه نیست. در متن مکتوب چیزی جز واژه وجود ندارد درحالی‌که در فیلم تجربه حسی بر تخیل مقدم است (شهبا و پورعلم، ۱۳۹۲: ۲۴-۲۵). اکنون اگر بخواهیم از چنین موضوعی در آموزش زبان استفاده کنیم، باید گفت سایر روش‌های آموزش زبان در مقایسه با فیلم سینمایی به همین شکل هستند؛ یا تنها جنبه دیداری دارند، مانند فلش کارت‌ها و کتاب‌های تصویری و یا فقط جنبه شنیداری دارند، مانند پادکست‌ها؛ حتی اپلیکیشن‌های آموزش زبان نیز که ممکن است از هر دو جنبه شنیداری و دیداری برخوردار باشند، به دلیل تصویرهای غیرمتحرک، تأثیرگذاری فیلم سینمایی را ندارند. پس فیلم سینمایی، افزون بر واقع‌نمایی به دلیل دارا بودن همزمان دو جنبه دیداری و شنیداری قابلیت‌های زبان‌آموزی را می‌افزاید؛ این ویژگی در بیشتر فیلم‌های سینمایی دیده می‌شود.

در فیلم «گتسبی بزرگ» (لورمن، ۲۰۱۳)، وقتی نیک با روانکاو صحبت می‌کند و به خاطرات گذشته برمی‌گردد؛ جمله‌هایی که او درباره گذشته می‌گوید به صورت تصویری نمایش داده می‌شود، مثلاً وقتی از شلوغی و سرعت شهر نیویورک می‌گوید، تصویری از افراد زیادی که در یک مکان به صورت درهم و با سرعت حرکت می‌کنند، برج‌های بلند و خیابان‌های شلوغ نشان داده می‌شود و یا زمانی که درباره بالا رفتن شاخص بورس صحبت می‌کند، نموداری که گویای این سخن اوست، نمایش داده می‌شود (همان: دقیقه ۴). مواردی از این دست موجب می‌شود زبان‌آموز هر چه را می‌شنود به همان صورت مشاهده کند؛ به گونه‌ای که گویا در زندگی روزمره او چنین حوادثی روی می‌دهد. این موضوع باورپذیری مخاطب را دوچندان می‌کند و روشن است که بر فرایند یادگیری تأثیر فراوانی می‌گذارد.

۳-۳. توجه به جنبه‌های فرهنگی

سینما از آغاز شکل‌گیری با دیگر مؤلفه‌های فرهنگی مانند موسیقی، ادبیات، معماری ارتباطی تنگاتنگ داشته است. سینما از سه ضلع هنر، تجارت و صنعت تشکیل شده که جنبه هنری آن با فرهنگ در آمیخته است. برای فهم سینمای یک کشور نمی‌توان عناصر فرهنگی آن کشور را نادیده گرفت (محمدی، ۱۳۷۳: ۱۰۳). شاید مؤلفه‌های فرهنگی مهم‌ترین ویژگی باشد که سینما را به آموزش زبان پیوند می‌دهد؛ زیرا برای فراگیری زبان یک کشور نیز باید با فرهنگ آن کشور آشنایی داشت. به عبارت دیگر برای دستیابی به هدف غایی آموزش زبان، دادن اطلاعات در زمینه فرهنگ، آداب و رسوم و به طور کلی فراهم آوردن فضای زبانی شبیه به کشور مقصد ضروری است (غلامی و عبداللهی، ۱۳۸۹: ۸۷). البته این موضوع با درآمیختن موضوعات فرهنگی زبان مبدأ و مقصد با یکدیگر متفاوت است. بررسی‌ها نشان می‌دهد رایج‌ترین اشتباه زبان‌آموزان در مبحث آموختن زبان، وارد کردن مسائل فرهنگی زبان مادری به زبانی است که در حال آموختن آن هستند؛ بنابراین وظیفه استاد، آموزش همزمان دانش زبانی و فرهنگ ملی کشور مقصد است. در فیلم «طعم گیلان» (کیارستمی، ۱۳۷۶) آقای بدیعی، شخصیت اصلی فیلم، در جستجوی کسی است که روی پیکر بی‌جان او پس از آنکه در گور می‌خوابد و خودکشی می‌کند، خاک بریزد. او در مسیرش برای پیدا کردن چنین شخصی به افرادی برمی‌خورد و هر کدام از آنها را در ماشینش سوار می‌کند و با آنان گفتگو می‌کند تا متقاعدشان کند روی جنازه‌اش خاک بریزند. هر کدام از این شخصیت‌ها که با شخصیت اصلی فیلم گفتگو می‌کنند، با توجه به باورها و اعتقاداتشان که از فرهنگ و جامعه آنها نشئت می‌گیرد، نگرش خود را در مواجهه با موضوع خودکشی بیان می‌کنند. این باورها برگرفته از فرهنگی است که از لحاظ دینی و اجتماعی، خودکشی را منع می‌کند؛ با وجود اینکه شخصیت اصلی اعتقاد دارد نبودنش برای خود و اطرافیانش بهتر از بودنش می‌باشد و او تصمیم درستی گرفته است.

۳-۴. آموزش با کمک حرکات بدن و ژست

فرایند ارتباط فراتر از تبادل کلام است؛ به سخن دیگر ارتباط تنها در سخن گفتن خلاصه

نمی‌شود. چه بسا ارتباطات زیادی بدون هیچ کلامی، معانی فراوانی را مبادله کند. ارتباط غیر کلامی از راه چشم، چهره، بدن و صدا اتفاق می‌افتد. ژست‌ها و حرکت‌های گوناگون بدن انسان دارای پیام است و ما اغلب در حال فرستادن پیام‌های غیر کلامی مانند چشمک زدن، ادا در آورن و... برای دیگران هستیم. فیلم‌های صامت چارلی چاپلین نیز نمونه‌ای از ارتباط غیر کلامی با حرکات بدن و صورت بودند (محسنیان‌راد، ۱۳۹۰: ۴۷). انسان در طول روز بیش از هر چیزی با چهره، دست‌ها و چشم‌ها احساس‌های مختلف خود مانند شادی، غم، هیجان، عشق، ترس و... را بیان می‌کند. آشنایی با چنین ارتباطی در فراگیری زبان بسیار مهم است. برخی از این ژست‌ها به فرهنگ جهانی ارتباط دارد و در میان ملل مختلف شناخته شده است؛ اما در کنار آن، هر فرهنگ خاص نیز ژست‌های ویژه‌ای برای انتقال مفاهیم گوناگون دارد. آشنایی با چنین حالات و حرکاتی، نقش چشمگیری در فراگیری درست زبان مقصد دارد؛ زیرا فیلم سینمایی اغلب با داستان زندگی یا مسائل آن سروکار دارد و در پی آن است که بخش بزرگی از احساسات شخصیت‌ها را با حرکات بدن و صورت نمایش دهد. پس زبان آموز با قرار گرفتن در این فضا و درگیر شدن با حس‌های مختلف شخصیت‌های فیلم، می‌تواند اصطلاح‌ها، واژه‌ها و واکنش‌های زبان مورد نظر را در موقعیت‌های گوناگون و به کمک این ژست‌ها فراگیرد.

برای مثال در فیلم «درباره الی» (فرهادی، ۱۳۸۷) در سکانسی که شخصیت‌های فیلم در حال خوردن شام هستند (همان: دقیقه ۲۳-۲۵)، حرکات چهره، چشم و بدن شخصیت‌ها، کنایه‌های طنزگونه آنها را به احمد نشان می‌دهد. آنان با حرکات صورت و بدنشان به احمد تبریک می‌گویند و برای شکل‌گیری رابطه بین او و الی خوشحال هستند. در سکانسی دیگر (همان: دقیقه ۲۷-۲۹)، شخصیت‌های فیلم پانتومیم بازی می‌کنند؛ واژه‌هایی که بازیگران براساس حرکات کسی حدس می‌زنند که پانتومیم بازی می‌کند، می‌تواند برای زبان‌آموز کمک‌کننده باشد.

در نمونه‌ای دیگر، فیلم سوئدی «مردی به نام او» (هولم، ۲۰۱۵)؛ زبان بدن «اوه» که شخصیت اصلی فیلم است، رسمی، جدی، خشک، سرد، همراه با بی‌علاقگی و گاه خشونت

نسبت به دیگران است. او با حرکات، چشم، صورت، بدن و دست‌ها تمام این موارد را نشان می‌دهد. اوه از هرگونه بی‌نظمی، سروصدای اضافه، شلوغی، مزاحمت همسایه‌ها و حیوانات خانگی عصبانی می‌شود و واکنش‌های تند و تیزی از خود بروز می‌دهد که زبان بدن وی و ژست‌ها و حرکات چهره و بدنش گویای این شخصیت اوست. زبان بدن و چشم‌های اوه تنها زمانی که به مزار همسرش می‌رود یا به عکس او می‌نگرد، همراه با ملایمت و مهربانی است. زبان‌آموز با قرار گرفتن در این فضا و دیدن آن، می‌تواند با کمک ژست‌ها و حرکات این شخصیت با واژه‌ها و اصطلاحاتی که او به کار می‌برد، ارتباط بیشتری برقرار کند و آنها را بهتر یاد گیرد و به خاطر بسپارد.

۳-۵. توان حدس ساختارهای زبان براساس موقعیت

یکی دیگر از جنبه‌هایی که اهمیت فیلم‌های سینمایی را در آموزش زبان مؤثرتر جلوه می‌دهد، فراهم کردن موقعیت‌هایی است که زبان‌آموز می‌تواند بخشی از جمله‌ها یا برخی واژه‌ها را براساس موقعیت کاربردی حدس بزند. طبیعی است که فراگیری زبان دوم روند طولانی و گسترده‌ای دارد؛ از یک‌سو، پذیرفتنی نیست که انتظار داشته باشیم زبان‌آموز هر آنچه را در فیلم سینمایی می‌بیند، آن را دریابد. فیلم‌های سینمایی برخلاف انیمیشن، کارتون و همانند آن، موقعیتی تقریباً واقعی را فراهم می‌کند، پس زبان‌آموز با دیدن موقعیت‌ها و با بهره‌گیری از تجارب زندگی خود در موقعیت‌های مشابه، می‌تواند آن بخشی از زبان را حدس بزند که متوجه نشده است؛ به سخن دیگر در موارد بسیاری، زبان‌آموز براساس موقعیت کلیت مفهوم را درمی‌یابد.

مثلاً در فیلم «جدایی نادر از سیمین» (فرهادی، ۱۳۸۹) جلسات بازپرسی و تنش میان شخصیت‌های اصلی فیلم و بازپرس، این موقعیت را برای زبان‌آموز فراهم می‌کند که با توجه به درگیری بین نادر و پرستار پدرش، برخی از واژه‌ها یا جمله‌ها مانند پرسش‌های بازپرس، دفاع نادر از خود، درگیری همسر پرستار با نادر و... را حدس بزند که مفهوم آنها را نمی‌داند (همان: دقایق ۵۵-۶۰، ۶۱-۶۳، ۶۸-۶۹، ۷۱-۷۳، ۷۴-۷۵).

در نمونه دیگر، فیلم «کلاس» یا «در میان دیوارها» (کاتنه، ۲۰۰۸)، آقای مارین (معلم درس فرانسه) می‌خواهد به دانش‌آموزان آزادی بدهد تا آنها در گفتگوها شرکت کنند و نظر

بدهند. کلاسی که در آن به هیچ کس توهین نشود و همه حق حرف زدن و نظر دادن داشته باشند، اما دانش آموزان این آزادی را با رفتارهای خودسرانه پاسخ می دهند؛ مثلاً وقتی آقای مارین از دانش آموزی می خواهد که از روی کتاب بخواند؛ دانش آموز این خواسته او را انجام نمی دهد و از خواندن خودداری می کند (همان: دقیقه ۲۹-۳۰). گفتگوها و درگیری هایی که بین این معلم و دانش آموزان رخ می دهد، موقعیتی را ایجاد می کند که با توجه به فضای کلاس و شخصیت هر یک از دانش آموزان و معلم، زبان آموز می تواند ساختارهای زبانی را که نمی داند، با حدس و گمان متوجه شود.

۶-۳. توجه به موقعیت های کاربردی زبان

یکی دیگر از مؤلفه هایی که در آموزش زبان اهمیت قابل ملاحظه ای دارد، موقعیت های کاربردی زبان مقصد چه واژگان و چه جملات و عبارات است. ممکن است جمله ای واحد در موقعیت های مختلف و شرایط کاربردی، معانی گوناگون و چه بسا متقابل به خود بگیرد؛ افزون بر آن، کلمات و واژگان نیز چنین هستند. فیلم های سینمایی به دلیل ویژگی واقع نمایی، در چگونه به کار بردن جمله یا کلمه ای واحد و در موقعیت های متفاوت بسیار مؤثرند. شاید چنین کاربردی را بتوان با گفتگویی غیرهنری نیز بیان کرد، اما فیلم سینمایی به دلیل جنبه های مختلف هنری، واقع نمایی، ژست و... گویی زبان آموز را در موقعیت کاربردی قرار می دهد؛ به گونه ای که آن را درونی کرده، در موقعیت های مشابه از راه یادآوری به کار گیرد. مثلاً واژه «چرا» که در زبان فارسی یک کلمه پرسشی به معنای «به چه دلیل؟» به شمار می رود؛ اگر در پاسخ به یک پرسش منفی به کار رود به معنای «بله» است. در فیلم «طعم گیلاس» (کیارستمی، ۱۳۷۵)، آقای بدیعی در گفتگو با طلبه افغانستانی از او می پرسد: «شما نرسیدی از خودت، فکر نکردی من برای چی شما را سوار کردم؟». طلبه افغانستانی پاسخ می دهد: «چرا» (همان: دقیقه ۴۶)؛ یعنی بله، از خودم پرسیدم.

زیرنویس انگلیسی فیلم:

- Aren't you wondering why I've offered you a ride?
- Yes.

یا ممکن است اصطلاحی در زبان مادری زبان آموز معادل نداشته باشد، اما با توجه به موقعیت کاربردی آن اصطلاح یا جمله در فیلم، زبان آموز بتواند معنای آن را دریابد؛ برای نمونه در فیلم جدایی نادر از سیمین (فرهادی، ۱۳۸۹)، وقتی نادر به پرستار پدرش تهمت دزدی می‌زند و او را از خانه بیرون می‌کند، راضیه (پرستار) می‌گوید: «خدا را خوش نمی‌آید» (همان: دقیقه ۴۳) و در زیرنویس فیلم، این جمله به انگلیسی این‌طور ترجمه شده است:

" This is not right"

ضمن اینکه «ادب» از جمله مقوله‌هایی می‌باشد که با موقعیت‌های کاربردی زبان بسیار در پیوند است. ادب زبان‌شناختی با قالب‌های زبانی‌ای ارتباط دارد که برای نشان دادن تعادل و تناسب اجتماعی به کار می‌رود (نورگارد، ۱۳۹۴: ۶۹). مفهوم دیگر، «نوبت» می‌باشد که از سویی با موقعیت کاربردی و از سوی دیگر با ادب مرتبط است؛ نوبت یکی از مفاهیم اصلی در تعامل مکالمه‌ای است و از مجموعه قواعد نظم‌دهنده خاص پیروی می‌کند. در تحلیل مکالمه به مداخله‌های مختلف طرفین گفتگو در حین مکالمه «نوبت» می‌گویند (همان: ۱۹۴). این چند مقوله یعنی ادب، نوبت و موقعیت کاربردی، افزون بر اینکه بسیار باهم گره خورده‌اند، با ساختارهای اجتماعی و فرهنگ هر جامعه سخت در پیوندند. فیلم‌های سینمایی در انتقال همزمان چنین مفاهیمی بسیار درخور اهمیت‌لند؛ یعنی زبان آموز علاوه بر فراگیری ساختارهای زبانی، می‌آموزد چگونه مقوله زبانی مورد نظر را با توجه به ادب و نوبت براساس موقعیتی که در آن قرار گرفته، به کار ببرد.

برای نمونه در فیلم «کلاس» (کاتته، ۲۰۰۸)، دانش‌آموزان بدون نوبت‌گیری و همزمان صحبت می‌کنند و معلم از آنها می‌خواهد برای صحبت کردن دست بالا بگیرند (همان: دقیقه ۷). روشن است که رعایت نکردن «نوبت» افزون بر اینکه آشفتگی را القاء می‌کند، بی‌توجهی به مقوله «ادب» را نیز یادآور می‌شود.

۷-۳. کاربرد همزمان زبان معیار و زبان روزمره

آموزش زبان دوم بر زبان معیار مبتنی است؛ به طور خلاصه می‌توان گفت: «زبان معیار، زبانی

است که در ورای لهجه‌های محلی و اجتماعی رایج در یک کشور قرار دارد و وسیله ارتباط اجتماعی و علمی و ادبی و... است. همان زبان درس خواندگان و با زبان نوشتار یکی است. در رادیو، تلویزیون و روزنامه به کار می‌رود و در آموزش زبان به خارجیان مورد استفاده قرار می‌گیرد» (اشرف‌صادقی، ۱۳۶۲: ۱۸). چنان‌که در این تعریف ملاحظه می‌شود، آموزش به فراگیران با زبان معیار صورت می‌گیرد؛ به عبارت دیگر می‌توان یکی از کارکردهای زبان معیار را کارکرد آموزشی آن به شمار آورد. ضمن اینکه اثری از هیچ‌گوشی در آن دیده نمی‌شود و «بر همه‌گوشی‌های منطقه‌ای تحمیل می‌شود» (آزادارمکی، ۱۳۸۳: ۴۳)؛ همچنین زبان معیار «باید در برابر تحولات فرهنگی انعطاف‌پذیر باشد و از مرحله ارتباط گفتاری به یک زبان دقیق برای مقاصد علمی برسد» (اشرف‌صادقی، ۱۳۶۲: ۱۷). نکته درخور توجه اینکه نه تنها در زبان معیار نشانه‌ای از هیچ‌گوشی وجود ندارد، بلکه در آن هیچ‌نشانی از کاربردهای روزمره نیز دیده نمی‌شود در حالی که زبان روزمره گسترده‌تر از زبان معیار است و زبان‌های مادری، قومی، محلی افراد یک منطقه را دربرمی‌گیرد؛ زبانی که هر فردی در گفتگوهای روزانه‌اش برای برقراری ارتباط با دیگران از آن بهره می‌برد. از سوی دیگر زبان آموز نیاز دارد با کاربردهای روزمره زبان بیش از ساخت‌های معیار آن آشنا شود؛ بر این اساس فیلم‌های سینمایی به دلیل ویژگی‌های پیش‌گفته، این قابلیت را دارند که به هر دو جنبه معیار و کاربرد روزمره زبان توجه کنند. از این‌رو فیلم‌هایی که برای آموزش زبان انتخاب می‌شوند، باید فیلم‌هایی باشند که زبان مورد استفاده آن، زبان معیار آن کشور باشد و ضمن اینکه از گویش‌های مختلف پیراسته باشد، بتواند ویژگی‌های زبان روزمره را به‌روشنی نمایش دهد و این دو ویژگی را با هم تلفیق کند؛ بنابراین کاربرد همزمان زبان‌های معیار و روزمره موجب می‌شود که زبان آموز با تلفظ درست کلمات و واژه‌ها در زبان گفتار و محاوره آشنا شود.

تمام فیلم‌هایی که براساس زندگی طبقه متوسط شهری در مراکز فیلم‌سازی هر کشور ساخته می‌شود، زبان معیار و روزمره را هم‌زمان دارا هستند، اما فیلم‌هایی که به زندگی افراد در حاشیه شهرها، شهرهای مرزی، اقوام مختلف، زندگی‌های قبیله‌ای و... می‌پردازد، به دلیل

داشتن لهجه یا گویشی خاص (متفاوت با زبان معیار)، برای آموزش زبان مناسب نیستند؛ افزون بر آن، فیلم‌های تاریخی هم به دلیل دور بودن از زبان روزمره اکنون، فیلم‌های مناسبی برای آموزش زبان نمی‌باشند. پس در آموزش، فیلم‌هایی باید انتخاب شوند که این دو ویژگی را همزمان داشته باشند. البته به نظر می‌رسد اغلب فیلم‌ها این دو ویژگی را دارند؛ مانند فیلم «گتسی بزرگ» (لورمن، ۲۰۱۳)، «جدایی نادر از سیمین» (فرهادی، ۱۳۸۹) و...

۸-۳. افزودن جنبه‌های هنری

یکی دیگر از عناصری که در فراگیری زبان با فیلم سینمایی درخور توجه می‌باشد، جنبه‌های هنری فیلم و تأثیر آن بر فرایند یادگیری است؛ فضا سازی در تمام هنرها عنصر مهمی برای درک مفهوم هنری است. در سینما فضا سازی یا میزانشن با عواملی مانند طراحی صحنه و لباس، نور، زاویه دوربین، جایگاه بازیگران و... شکل می‌گیرد (رحمانی، ۱۳۸۶: ۵۴). جنبه‌های هنری موجب لذت بخشی آموزش و گرایش زبان آموز به آن می‌شود. جنبه‌های هنری علاوه بر فضا سازی به شیوه‌های گوناگون می‌کوشند حال و هوا و عواطف حاکم بر کلام را به مخاطب القا کنند. ترکیب فضای هنری، افزون بر اینکه تأثیری عاطفی بر فراگیر می‌گذارد، فراگیری را نیز عمیق می‌کند و زبان آموز موضوع مورد نظر را درونی می‌کند. استفاده از رنگ‌ها، فضا های متناسب و... در فیلم، زمینه‌هایی برای درگیری احساس مخاطب ایجاد می‌کند، مثلاً شرایطی که بیانگر وقوع یک حادثه، بحران، تشویش یا آرامش است با کمک عناصری مانند رعد و برق، طوفان، باد، باران و... نشان داده می‌شود در حالی که فضا های عاطفی با زمینه‌هایی از رنگ آبی، سبز و عناصری مانند آسمان آرام به تصویر کشیده می‌شود. این موارد به زبان آموز کمک می‌کند تا در جریان موضوع قرار گیرد و آن موقعیت اصلی را برای درک بهتر گفتگوها دریابد.

برای نمونه در فیلم «بچه‌های آسمان» (مجیدی، ۱۳۷۵)، صحنه آغازین فیلم که همزمان با عنوان بندی فیلم نمایش داده می‌شود، دست‌های یک کفاش است که یک کفش دخترانه کهنه را تعمیر می‌کند (همان: دقیقه ۱-۳)؛ از همین آغاز، موضوع اصلی فیلم مشخص می‌شود و مخاطب درمی‌یابد که با چه چیزی روبه‌رو است: فقر و کودکی؛ کودکانی که با فقر

درگیرند و چالش‌هایی که در این مسیر با آن مواجه هستند. با همین صحنه هنرمندانه بدون کلام، زبان‌آموز درمی‌یابد که فیلم درباره چه موضوعی است و این امر می‌تواند کمک بزرگی در فهم بهتر واژه‌ها و جمله‌ها باشد.

در نمونه دیگر، فیلم «راشامون» (کوروساوا، ۱۹۵۰)، در ابتدای فیلم باران سختی بی‌وقفه در اطراف معبد راشامون می‌بارد و دو چهره غمگین و سردرگم (هیزم‌شکن و راهب) نشان داده می‌شود که برای مراقبت از خود در برابر باران شدید، زیر سقف و ستون‌های معبد راشامون پناه گرفته‌اند (همان: دقیقه ۱-۳)؛ این شرایط فضایی همراه با خشم، بحران، دلهره و اندوه را القا می‌کند. چنین بارانی در سرتاسر فیلم و در سکانس‌های مربوط به معبد، می‌بارد و حتی گاهی فضای جنایی و دلهره‌آور فیلم با کمک رعدوبرق، بیشتر می‌شود (همان: دقیقه ۴۹). این فیلم دروغگویی، بدگمانی، بی‌اعتمادی و جنایت انسان‌ها نسبت به یکدیگر را نشان می‌دهد. استفاده از باران شدید و رعدوبرق، زبان‌آموز را به این نکته آگاه می‌کند که شرایط شخصیت‌های درون فیلم با بحرانی جدی همراه است؛ بحرانی به شدت بارش باران و صدای هولناک رعدوبرق.

اشاره شد ویژگی‌هایی از این دست موجب می‌شود فرایند آموزش لذت‌بخش گردد و زبان‌آموز بر آن تمرکز کند؛ افزون بر آن، نتیجه آموزش را ماندگارتر می‌سازد یا به سخن دیگر زبان‌آموز موارد یادگرفته را به حافظه بلندمدت می‌سپارد.

نتیجه

با وجود گسترش و تنوع ابزارهای آموزش زبان در دنیای کنونی، هنوز فیلم‌های سینمایی از اهمیت بسیاری در این حوزه برخوردارند؛ تا بدان‌جا که سایر ابزارهای آموزشی مشابه آن مانند کارتون، انیمیشن و همانند آن، با وجود تنوع فراوان، یارای برابری با فیلم سینمایی را ندارند. هرچند محققان هنگام بحث درباره اهمیت فیلم سینمایی در آموزش زبان، اغلب به موضوعاتی مانند انتقال درست واژگان، دستور زبان، مهارت‌های شنیداری و مانند آن اشاره کرده‌اند، اما به نظر می‌رسد فیلم سینمایی دارای مؤلفه‌هایی فراتر از این موارد است. براساس بررسی‌هایی که حاصل تجارب عملی آموزش زبان در کشورهای کره و چین است، می‌توان

گفت به جز مهارت‌های زبانی یاد شده، فیلم سینمایی دارای هشت مؤلفه دیگر است که موجب جایگاه خاص آن در آموزش زبان می‌شود؛ این مؤلفه‌ها عبارتند از: ۱. همسانی و شباهت فیلم سینمایی با زندگی واقعی (واقع‌نمایی)؛ ۲. همزمانی جنبه‌های شنیداری و دیداری؛ ۳. توجه به جنبه‌های فرهنگی؛ ۴. آموزش به کمک حرکات بدن و ژست؛ ۵. توان حدس ساختارهای زبان براساس موقعیت؛ ۶. توجه به موقعیت‌های کاربردی زبان؛ ۷. کاربرد همزمان زبان‌های معیار و روزمره و ۸. افزودن جنبه‌های هنری. نکته درخور توجه آنکه واقع‌نمایی بر دیگر مؤلفه‌ها سایه افکنده است؛ به عبارت دیگر مخاطب یا زبان‌آموز در وهله نخست، فیلم را برشی از زندگی واقعی می‌پندارد، سپس براساس چنین فرضی، جنبه‌های دیگر را در نظر می‌آورد. موارد یادشده می‌تواند فرایند یادگیری را لذت‌بخش و نیز پایدارتر کند.

تعارض منافع: طبق گفته نویسنده‌گان، پژوهش حاضر فاقد هرگونه تعارض منافع است.

منابع و مأخذ

- آزادارمکی، تقی. (۱۳۸۳). «زبان معیار و کاربرد آن در رادیو». مطالعات مطبوعاتی، رادیویی، تلویزیونی. سال چهارم. شماره ۲۱. صص: ۴۲-۴۷.
- اوحدی، مسعود. (۱۳۸۸). «گفتمان رئالیسم سینمایی». فصلنامه هنر. شماره ۷۶. صص: ۲۱۵-۲۳۹.
- اشرف صادقی، علی. (۱۳۶۲). «زبان معیار». نشر دانش. شماره ۱۶. صص: ۱۶-۲۱.
- رحمانی، فرشته. (۱۳۸۶). «فضاسازی در نمایش رادیویی». مجله رادیو. شماره ۳۹. صص: ۵۴-۵۸.
- شهباء، محمد؛ پورعلم، مهرداد. (۱۳۹۲). «واقع گرایی در فیلم». نشریه هنرهای زیبا، هنرهای نمایشی و موسیقی. دوره ۱۸. شماره ۲. صص: ۲۱-۲۹.
- صفار مقدم، احمد؛ رستم بیک تفرشی، آتوسا. (۱۳۹۳). «کاربرد فیلم سینمایی در آموزش زبان و فرهنگ ایران به غیرفارسی زبانان». زبان شناخت. سال پنجم. شماره ۲. صص: ۷۹-۱۰۲.
- عامری، سعید؛ قدرتی، مریم. (۱۳۹۸). «نقش تماشای محصولات سینمایی خارجی در یادگیری زبان خارجی، خارج از کلاس». مطالعات زبانی و ترجمه. شماره ۲. دوره ۵۲. صص: ۱۲۷-۱۵۶.
- غلامی، حسین؛ عبداللهی، موسی. (۱۳۸۹). «استفاده از فناوری نوین در آموزش زبان‌های خارجی با تأکید بر نقش سینما». پژوهش زبان‌های خارجی. شماره ۵۷. صص: ۸۵-۱۰۰.
- فرشته حکمت، فرشاد. (۱۳۸۹). «فضاسازی شاعرانه در اثر هنری». نشریه باغ نظر. سال هفتم. شماره ۱۵. صص: ۳۷-۵۰.
- قاسم خان، علی رضا. (۱۳۷۳). «رئالیسم و سینما». فصلنامه هنر. شماره ۲۷. صص: ۲۴۷-۲۵۲.
- محسنیان راد، مهدی. (۱۳۹۰). «زبان بدن (اهمیت پیام‌های غیرکلامی در ارتباطات)». مجله رشد. دوره ۱۵. شماره ۲. صص: ۴۶-۴۸.
- محمدی، مجید. (۱۳۷۳). «سینما و فرهنگ». فارابی. دوره ۶. شماره ۴. صص: ۱۰۳-۱۰۹.
- نورگارد، نینا؛ بوسه، بتاتریکس؛ موتورو، روسیو. (۱۳۹۴). فرهنگ سبک‌شناسی. ترجمه احمد رضایی جمکرانی و مسعود فرهمندفر. تهران: مروارید.
- Alolaywi, Yasamiyan. (2023). Learning English from Movies: An Exploratory Study, International Journal of Social Science And Human Research ISSN (print): 2644-0679, ISSN(online): 2644-0695.
- Ismail, Nyak Mutia. (2016). Movies and language learning: what skills do they conquer?, Proceedings of the 1th English Education International Conference (EEIC) in conjunction with the 2nd Reciprocal Graduate

Research Symposium (RGRS) of the Consortium of Asia-Pacific Education Universities (CAPEU) between Sultan Idris Education University and Syiah Kuala University.

- Martín, Marroquín Ricardo. (2023). Using cinema as a teaching tool in the language, TESL Ontario, CONTACT Magazine.
- Sánchez Auñón et al. (2023). The use of films in the teaching of English as a foreign language: a systematic literature review, Asian-Pacific Journal of Second and Foreign Language Education.

فیلم‌ها

- فرهادی، اصغر (۱۳۸۷) «درباره‌الی»، ایران.
- فرهادی، اصغر (۱۳۸۹) «جدایی نادر از سیمین»، ایران.
- کاتته، لوران (۲۰۰۸) «در میان دیوارها (کلاس)»، فرانسه.
- کوروساوا، آکیرا (۱۹۵۰) «راشامون»، ژاپن.
- کیارستمی، عباس. (۱۳۷۶) «طعم گیلاس»، ایران.
- لورمن، باز. (۲۰۱۳) «گتسی بزرگ»، آمریکا.
- مجیدی، مجید. (۱۳۷۵) «بچه‌های آسمان»، ایران.
- هولم، هانس. (۲۰۱۵) «مردی به نام اوه»، سوئد.
- Cantet, Laurent. (2008), “The Class”. France.
- Holm, Hannes. (2015). “A man called ove”. Sweden.
- Luhrmann, Baz. (2013). “The Great Gatsby”. United States of America.
- Kurosawa, Akira. (1950). “Rashomon”. Japan.
- Kiarostami, Abbas. (1997). “Taste of Cherry”. Iran.
- Majidi, Majid. (1997). “Children of Heaven”. Iran.
- Farhadi, Asghar. (2009). “About Elly”. Iran.
- Farhadi, Asghar. (2011). “A Separation”. Iran.